

مطالعه پدیده ازدواج اجباری زنان در فجایع طبیعی (پیامدهای اجتماعی فاجعه در زنان بازمانده زلزله ۱۳۸۲ بم)

معصومه کمال‌الدینی*، مصطفی ازکیا**

(تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۲۲، تاریخ تأیید: ۹۷/۸/۱۲)

چکیده

پیامدهای اجتماعی فاجعه بر افراد بر اساس سن، جنسیت، طبقه اقتصادی و اجتماعی متفاوت است و کودکان، زنان و افراد کم درآمد آسیب بیشتری در گروه قربانیان و بازماندگان فاجعه تجربه می‌کنند. مطالعه حاضر پژوهشی کیفی است که با هدف درک پیامدهای اجتماعی ناشی از زلزله بم بر گروه اجتماعی زنان انجام شده است. با این هدف، با کاربست روش کیفی گراند تئوری و تکنیک مصاحبه عمیق و با روش نمونه‌گیری هدفمند به بررسی پیامدهای اجتماعی در زنان نجات یافته از زلزله ۱۳۸۲ بم پرداختیم و در نهایت بعد از کدگذاری ۲۵ مصاحبه به اشباع نظری رسیدیم. بر اساس یافته‌های پژوهش، استنباط نظری محقق بر این است که شرایط علی ناشی از تأثیرات مستقیم زلزله از جمله مرگ پدر خانواده یا والدین و همینطور شرایط مداخله‌گر وضعیت اقتصادی خانواده بر تجربه پدیده ازدواج اجباری در گروه زنان مجرد و بیوه تأثیر دارد و زنانی که در راهبردهای برخورد با این پدیده متغزلانه رفتار کرده‌اند، مجبور به پذیرش ازدواج اجباری و پیامدهای آن همچون کاهش کیفیت زندگی زناشویی، خشونت خانگی، خیانت زناشویی و احساس خشم شده‌اند.

واژگان کلیدی: ازدواج اجباری، فاجعه طبیعی، گراند تئوری

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران
mkamalledini@gmail.com

** استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران (نویسنده مسئول)
mostafa_azkia@yahoo.com

نامه انسان‌شناسی، سال چهاردهم، شماره ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۶۹-۲۰۲

۱- مقدمه و طرح مساله

شهر بم یکی از قدیمی‌ترین مراکز شهرنشینی ایران به مساحت تقریبی ۱۹ هزار و ۴۸۰ کیلومتر در جنوب شرقی ایران در شرق استان کرمان واقع شده است؛ سرزمینی با آبهای زیرزمینی بسیار و داستانهای تاریخی، سرزمینی با سه اقلیم هوایی گرم، معتدل و کوهستانی مردمانی با گویش شیرین بمی، اهل کشاورزی و باغداری با باغ درختان خرما و مرکبات و تابستانی داغ که در معرض عبور بادهای ۱۲۰ روزه سیستان و بلوچستان نیز قرار می‌گیرد و زمستانی سرد و سوزناک کویر دارد.

جمعه ۵ دی ماه ۱۳۸۲ زلزله‌ای با قدرت ۶/۵ ریشتر و مدت زمان ۱۲ ثانیه شهر بم را لرزاند؛ فاجعه‌ای که بخش بزرگی از شهر را تخریب و علاوه بر کشتار انسان‌ها، شهر را از نظر اجتماعی و اقتصادی دچار از هم پاشیدگی کرد و ضربه‌های روحی ناشی از آن تا سالهای متوالی گریبانگیر مردم شهر بم گردیده است، آورده شده است. حوادث طبیعی مانند زلزله، سیل، خشکسالی هنگامی که باعث تخریب گسترده و کشته شدن بیش از ۱۰۰ نفر شوند و بازماندگان نیازمند کمک‌های داخلی و خارجی شوند تبدیل به فاجعه می‌شوند و در نظر محقق وقتی حوادث طبیعی نظم اجتماعی، روند زندگی طبیعی، ارزشهای و باورهای جامعه را به چالش می‌کشد، فاجعه ایجاد شده است اما فاجعه پیامدهای متفاوتی برای بازماندگان ایجاد می‌کند که سن، جنسیت^۱، طبقه اقتصادی و اجتماعی^۲ از جمله متغیرهای تاثیر گذار بر این تفاوت می‌باشد. بر اساس برآورد نسبت جنسی جمعیت شهرهای بم و بروات، در زمان وقوع زلزله جمعیت مردان ۲/۸۶ درصد بیشتر از جمعیت زنان و میزان مرگ و میر زنان بیشتر از مردان بوده است (جدول شماره ۱).

در فجایع، کودکان، زنان و افراد کم توان، بیشترین آسیب را تجربه می‌کنند، برای مثال «به دنبال زلزله ماهاراشترا^۴ هند مرگ و میر بالای زنان به آن سبب بود که هنگام واقعه زنان در خانه مشغول کار بودند و مردان در بیرون از خانه» (کامکار، ۱۳۸۲: ۵).

1 disaster

2 gender

3 economic- social class

4 maharashtra

جدول شماره ۱: آمار جمعیت بم و فوت شدگان بر اساس جنس در سال ۱۳۸۲ (احمدیان، ۱۳۸۴)

جمعیت بم و بروات	جمعیت زنان	فوت شدگان زن	جمعیت مردان	فوت شدگان مرد
۱۰۰۸۹۲	۴۹۰۰۴	۱۸۳۳۳	۵۱۸۸۹	۱۳۴۹۴

با توجه به اینکه زنان و مردان نقش‌های اصلی یک خانواده را به عنوان همسر یا مادر، دختر یا خواهر، پدر یا شوهر، پسر یا برادر و فرزند داشته با کشته شدن و از بین رفتن نقش آنها، خانواده نیز دچار تغییرات می‌شود «وقوع زلزله در یک جامعه انسانی، اغلب کانونهای خانوادگی را که مهم ترین نهادها برای جامعه پذیرکردن و ایجاد هماهنگی با هنجارهای اجتماعی فرزندان است از هم می‌پاشد» (م. زند، ۱۳۷۶: ۱۷۶).

افراد در فاجعه دچار یک نوع سردرگمی می‌شوند و از سوی دیگر جامعه نیز نوعی بی‌سازمانی و بی‌هنجاری را تجربه می‌کند. در خانواده‌ها شکست ساختارها، هنجارها و کارکردهای خانوادگی پدید می‌آید، نقشها تغییر می‌کند و کارکردها مختل می‌شوند حوادث و سوانح طبیعی و انسانی، نظیر سیل^۱، زلزله^۲ و جنگ^۳ در لحظاتی کوتاه طومار زندگی را در هم پیچیده و بخشی از جامعه را به پدیده بی‌خانمانی^۴ و آوارگی ناشی از آن مبتلا می‌کند این حوادث نه تنها از بعد مادی و اقتصادی بلکه از نظر معنوی، روانی و اجتماعی نیز آثار متعددی بر جای می‌گذارند».

خانواده به لحاظ قدرت نخستین و از نظر گستردگی جهان شمول ترین سازمان یا نهاد اجتماعی در جامعه و سنگ بنای همه جوامع بزرگ انسانی است، سی. کوهن و اس. کول (C.) (Cohn; S. Cole, 2002) محققان روانشناسی فاجعه معتقدند که «خانواده‌ها بعد از یک رویداد تهدید کننده تحریک به انجام یک اعمال معناداری می‌شوند که در روابط نزدیک و پدیده‌های زندگی تغییر ایجاد می‌کنند و عمده‌ترین این اعمال معنادار، در وضعیت ازدواج اتفاق می‌افتد، در دنیای امروز این تصور وجود دارد که زنان در تصمیم‌گیری برای انتخاب همسر آزادانه رفتار

1 flood
2 earthquake
3 war
4 homeless

می‌کنند بدون اینکه تابع الزامات سنتی نسل‌های گذشته باشند و می‌توانند در مورد شریک زندگی شان تصمیم بگیرند، اما فجایع طبیعی مانند زلزله به دلیل برد وسیع تخریب‌کنندگی آن، باعث بهم ریختن نظم اجتماعی و روال‌های منطقی زندگی می‌شود و رویکردی بازگشتی در بعضی فرایندهای زندگی ایجاد می‌کند که یکی از دلایل آن تلاش برای بقا بوده است. بعد از فجایع بعضی از هنجارهای جامعه کارکرد خود را از دست داده و حتی تغییر عناصر مهم فرهنگی نیز رخ می‌دهد مانند هنجار انتخاب مستقل همسر.

داده‌های به دست آمده از زنان راوی در این پژوهش، نشان می‌دهد که بعد از زلزله بم تغییری در روند الگوی انتخاب همسر داشته ایم، گرچه این پدیده در گزارشهای آماری زلزله بم آورده نشده موضوع مهم قابل ذکر این است که بعد از فاجعه ما با انواع خانواده مواجه هستیم یعنی «خانوارهایی که فقط مرد خانواده زنده مانده است، خانواده‌هایی که فقط زن خانواده زنده مانده است، خانواده‌هایی که مرد خانواده و فرزندان زنده مانده‌اند، خانواده‌هایی که زن خانواده و فرزندان زنده مانده‌اند، خانواده‌هایی که زن و مرد فقط زنده مانده‌اند، خانواده‌هایی که فقط فرزندان زنده مانده‌اند» (ژ. شادی طلب، ۱۳۷۲) و هر کدام از این خانواده‌ها با مشکلات خاصی مواجه هستند که یکی از این مشکلات، سرو سامان دادن به وضعیت دختران و زنان تنها مانده است.

۱-۱ پرسشهای تحقیق

- چگونه یک پدیده انسانی اجتماعی مانند ازدواج تحت تاثیر فجایع طبیعی تاثیر می‌پذیرد؟
- چه عواملی در شکل‌گیری ازدواج اجباری زنان در فاجعه تاثیر گذار است؟
- راهبردهای انتخابی زنان جوان در مقابل فشار اطرافیان برای پذیرش ازدواج اجباری چه بوده است و ازدواج اجباری در زندگی شخصی و اجتماعی زنان چه پیامدهایی به همراه دارد؟

۲- اهمیت موضوع

محقق معتقد است فاجعه طبیعی می‌تواند بر زندگی زنان تاثیر بگذارد و برای کشف و درک بیشتر، شنیدن تجربیات و روایات زنان بازمانده در تفسیر و تفهیم پیامدهای اجتماعی زلزله

دارای اهمیت است و ما را قادر می‌سازد که دیدگاه‌ها و تجارب زنانه خود و دیگران را نیز با دیده عمیق‌تری مشاهده کنیم، بنابراین بررسی ماهیت زندگی زنان در یک فاجعه فرصتی است برای یادگیری نحوه ساخت زندگی روزمره زنان هم در دوره بحران و هم غیر بحران، فاجعه باعث تنها شدن تعداد زیادی از زنان به دلیل مرگ والدین یا همسرشان می‌شود، در این میان ارزشها و تابوهای جنسیتی اجتماعی^۱، این گروه از زنان را برای رهایی از تنهایی یا ناامنی مجبور به ازدواجی شتابزده^۲، تحمیلی^۳ یا ترتیب داده شده^۴ می‌کند که به دلیل شوک ناشی از فاجعه، مقدمات استاندارد انتخاب همسر در آن اجرایی نمی‌گردد که در نهایت باعث ایجاد پیامدهای روانی و اجتماعی برای خود، خانواده و جامعه خواهد شد.

گرچه در این میان ازدواجهایی نیز بصورت منطقی صورت می‌پذیرد و یا از میان ازدواجهای شتابزده یا اجباری تعدادی نیز ادامه دار خواهند بود، اما بسیاری نیز به اختلاف و طلاق خواهد کشید. ازدواجهای اجباری یا شتابزده که در طول بحران به دلیل فشارهای خانوادگی یا جامعه، نگرانی‌های والدین یا مشکلات اقتصادی خانواده اتفاق می‌افتد باعث شده اند که بعضی زنان مجبور به ازدواج با مردان مسن تر شده یا به ازدواج موقت با نیروهای غیربومی تن داده و یا همسر مردانی بیکار و معتاد شده‌اند و این موضوع اهمیت پرداختن به این موضوع را از دیدگاه جامعه شناسی نشان می‌دهد.

در بم نیز بنا به روایات زنان انتخاب شده، شاهدین عینی و بعضی مسئولین اجتماعی شهر، پدیده تغییرات ازدواج را شاهد هستیم امروز در بم تعدادی از زنان مناطق فقیر نشین بم اجبارا به عقد شوهرشان درآمده و گروهی دیگر همسر شوهران موقتی شدند که به اسم مهندس وارد بم شده و بدون هیچ تعهدی بعد از پایان عملیات بازسازی، این زنان را با یک یا چند فرزند رها کرده و به شهرهای خود بازگشتند.

ازدواج اجباری بر زمینه‌های روانی، اجتماعی و اقتصادی زندگی این گروه از زنان، تاثیر می‌گذارد. زنانی که ازدواج اجباری دارند خود را کاملا از جامعه و خانواده جدا می‌دانند و مجبور

1 gender -social taboo

2 early marriage

3 forced marriage

4 arrengment marriage

به تحمل سوء استفاده مداوم در طول عمر خود هستند و این موضوع در زندگی اجتماعی، اقتصادی، تحصیلی و علایق شخصی آنها پیامدهای منفی ایجاد می‌کند. این مهم نشان می‌دهد که انجام مطالعات اجتماعی و روانشناسی در خصوص شناسایی و سپس ارزیابی راهکار جهت پیشگیری ازدواج اجباری در مناطق آسیب دیده ضرورت دارد.

۳- پیشینه پژوهش، ادبیات نظری و تجربی موضوع

ای. پی. سوروین جامعه شناس آمریکایی اولین کسی است که در کتاب "انسان و جامعه در مصایب"^۱ به صورت مدون به موضوع تغییرات ازدواج در فجایع اشاره می‌کند، او به نقل از وینکور (Vinkor, 1940) مورخ، درباره بخشی از تغییرات اجتماعی بعد از طاعون سال ۱۴۵۱ میلادی در شهر میلان اینگونه نوشته است: «بعد از طاعون ازدواج‌ها در هر جا به قدری زیاد می‌شدند که کشیش‌ها به سختی می‌توانستند از عهده کارشان بر آیند بطوریکه یک سال بعد از طاعون، چهار هزار جشن عروسی برگزار شد و تقریباً همه این ازدواج‌ها منجر به فرزندآوری شدند» (A.P. Sorokin, 2010: 94). اما در این کتاب اشاره نشده است که آیا این ازدواج‌ها از سوی خانواده به دختران و پسران اجبار شده است یا با رضایت زوجین اتفاق افتاده است؟

جدول شماره ۲. آمار ازدواج‌های ثبت شده در اداره ثبت و احوال شهرستان بم

سال	تعداد ازدواج	سال	تعداد ازدواج
۱۳۸۴	۳۳۹۵	۱۳۹۱	۲۲۰۵
۱۳۸۵	۲۵۱۹	۱۳۹۲	۱۹۹۱
۱۳۸۶	۲۴۶۳	۱۳۹۳	۱۷۷۹
۱۳۸۷	۲۳۳۹	۱۳۹۴	۱۵۵۷
۱۳۸۸	۲۲۸۸	۱۳۹۵	۱۵۶۴
۱۳۸۹	۲۰۸۷	۱۳۹۶	۱۰۴۷ ^۱
۱۳۹۰	۱۳۹۳		

در بم نیز مطابق آمارهای دریافتی از اداره ثبت و احوال بم در سالهای اولیه بعد از زلزله شاهد افزایش نرخ ازدواج بوده ایم .

پژوهش‌های مبتنی برجنسیت و فجایع طبیعی جزو پژوهش‌های جدید در جامعه‌شناسی می‌باشد و ابتدا با آثار روان‌شناسان آغاز شد و بعدها به مسایل اجتماعی کشیده شد «جنسیت، بعد مهمی از ساختارهای اجتماعی است که در جامعه‌شناسی اولیه فاجعه توسعه نیافت. در دهه ۱۹۹۰، هم دانشمندان فاجعه و هم متخصصان ملی بحران، در تعهد خود برای کاهش آسیب پذیری گروه‌های حاشیه‌ای، نیاز به تمرکز بر روی زنان را به رسمیت شناختند، گرچه ابتدا اطلاعات درباره زنان و فاجعه به طور عمده شامل نظرسنجی‌هایی بود که جنسیت را به عنوان یک متغیر جمعیت شناختی مطالعه می‌کردند و این مطالعات در توضیح و تحلیل کامل تجربیات و دیدگاه‌های زنان در فاجعه نقشی نداشته و بسیاری از مطالعات پیشین نیز عمدتاً به برنامه ریزی‌های تحت سلطه مردان مانند مراکز عملیات اضطراری و تیم‌های جستجو و نجات متمرکز بودند» (A. Fothergill, 2004: 8).

در ایران پژوهشی در خصوص "ازدواج اجباری در زمان فاجعه" انجام نشده، که شاید یکی از دلایل آن عدم گزارش این پدیده از سوی زنان و محرمانه بودن آمار است و در مقالات کشورهای دیگر نیز مقوله ازدواج اجباری در فاجعه بطور مجزا پوشش علمی داده نشده و بیشتر به عنوان زیرمجموعه خشونت جنسیتی مطرح شده است یا به صورت گزارش‌های میدانی و آماری از سوی سازمانهای حمایت‌کننده زنان، یونیسف و دیگر انجمن‌های اجتماعی منتشر شده است اما یک کتاب با این عنوان به صورت کلی نگاشته شده است که با توجه به چندبعدی بودن آن آورده شده و یک مقاله که بصورت تجربی و کیفی به ازدواج اجباری پرداخته است.

کتاب مجموعه مقالات "ازدواج اجباری: معرفی عدالت اجتماعی و دیدگاه‌های حقوق بشر" با ویرایش و نظارت آ. گیل و آ. ساندری^۱ دو جرم‌شناس است، که در سال ۲۰۱۲ منتشر کرده‌اند. در این کتاب مجموعه مقالاتی از کارشناسان و پژوهشگران رشته‌های جرم‌شناسی، جامعه‌شناسی و حقوق از تعاریف ازدواج اجباری تا نمونه‌هایی از آن در کشورهای آسیایی

1 Aisha K. Gill & Anitha Sundari

آورده شده است که دیدگاهی چندرشته‌ای به این مقوله دارند. آنها پژوهش‌های موجود را تجزیه و تحلیل کرده و شواهد جدیدی ارائه می‌دهند که در آن پیچیدگی‌های فرهنگی را که اغلب تلاش‌هایی را برای توضیح و حتی توجیه این نقض حقوق زنان است را به چالش می‌کشاند. نویسندگان معتقدند خواندن این کتاب برای پزشکان و دانشجویان جامعه‌شناسی، جرم‌شناسی، مطالعات جنسیتی و حقوق ضروری است.

در سال 2014 در کشور بنگلادش که تجربه طوفان و سیل‌های تخریب‌کننده دارد و نرخ بالایی در ازدواج دختر بچه‌ها و قاچاق آنها در بحران‌های طبیعی دارد، مقاله‌ای با عنوان "آب چالش‌های آب و هوایی باعث افزایش ازدواج‌های زودهنگام و اجباری، به عنوان یک استراتژی سازگاری در بنگلادش شده است؟" از م. آلسون¹ و همکاران در مجله بین‌المللی مطالعات زنان به چاپ رسیده است، نویسندگان این مقاله را با روش تحقیق کیفی و برای سه سال، در زمینه تأثیرات تغییرات اقلیمی بر جنسیت، به ارتباط بین ازدواج اجباری و زودهنگام فرزندان و تغییرات اقلیمی در بنگلادش نوشته‌اند، نویسندگان استدلال می‌کنند که بحران‌های آب و هوایی باعث سختی‌های اقتصادی زیادی در این کشور شده است و این امر موجب می‌شود که جهیزیه در خانواده‌های پسران جوان به شکل انباشت سرمایه مورد توجه قرار گیرد و بالعکس در خانواده دختران به عنوان یک بار اقتصادی سنگین که باعث ازدواج در سنین بالاتر می‌شود ولی در بحران‌های طبیعی به این دلیل که به دلیل مشکلات ایجاد شده از خانواده‌ها انتظار جهیزیه ارزان‌تری می‌رود افزایش ازدواج دختر بچه‌ها را شاهد هستیم، نویسندگان در نهایت می‌گویند که ما نتیجه می‌گیریم تمرکز بر پیامدهای اجتماعی چالش‌های آب و هوایی باید بیشتر شود تا از حقوق زنان و دختران در جوامع آسیب‌پذیر محافظت گردد (M. Alston, 2014) خلاصه پیشنهادها تحقیقاتی این موضوع در ایران و کشورهای دیگر، یکی دیگر از نشانه‌های غفلت از پیامدهای فاجعه در گروه اجتماعی زنان می‌باشد و تحقیق حاضر با بررسی موضوع پدیده ازدواج اجباری بعد از فاجعه اقدام مهمی در شروع تحقیقات کیفی در این زمینه خواهد بود.

1 M. Alston

۴- روش پژوهش

این پژوهش با روش تحقیق کیفی گراند تئوری^۱ انجام شده است. ام. بیرکس و اچ. میلز (M. Birks & H. Mills, 2011) سه موقعیت برای استفاده از روش نظریه زمینه‌ای را شاخص می‌دانند: «اول این که وقتی اطلاعات کمی درباره حوزه مورد مطالعه وجود داشته باشد، دوم خلق یک نظریه با قدرت تبیین و توضیح پدیده، نتیجه و مدنظر محقق باشد و سوم اینکه یک فرایند در طرح تحقیق و موضوع مطالعه وجود داشته باشد و هدف شناخت دیدگاهها و معانی رفتاری افراد در یک موقعیت خاص است که مورد تجزیه و تحلیل کافی قرار نگرفته و یا درک جهان افراد از زاویه دید خودشان، اینها از موضوعاتی است که در قالب نظریه زمینه‌ای گراند تئوری می‌توان مورد پژوهش قرار داد و موضوع جامعه شناختی فاجعه نیز یکی از این موارد است.»

از سوی دیگر با توجه به پرسش‌های این پژوهش و مطالعه پیامدهای اجتماعی فاجعه روش کیفی مناسبترین روش تحقیق در این خصوص بوده است. بعضی از محققان فاجعه نیز معتقدند روش‌های تحقیق فعلی شاید جوابگوی تحقیقات اجتماعی در این خصوص نباشد، لذا چارچوب تحقیقی خاصی را پیشنهاد نموده‌اند که بخش اساسی و زیربنایی این چارچوب پیشنهاد شده با تکنیک‌های مورد استفاده در روش تحقیق مرتبط می‌باشد^۲ از نخستین روزهای پژوهش در باب بلایا، شیوه میدانی مهم ترین راه جمع آوری اطلاعات بوده است، پژوهش میدانی همواره به سمت مطالعات طبیعی انواع گروهها سازمانها و جوامع تمایل داشته است و در واکنش به بلایای طبیعی و موقعیت‌های تهدید کننده در مقابل پژوهش‌های تجربی و هدف‌مند بزرگ به لحاظ کمی قرار گرفته است. برندا فیلیپس اشاره کرده است که از نظر تاریخی قرابت نزدیکی بین پژوهش بلایا جمع آوری و تحلیل اطلاعات کیفی به ویژه راهبردهای جمع آوری اطلاعات جهت دار میدانی وجود دارد^۳ (د. ساروتیس و ر. پیلک، ۱۳۸۲). قابل ذکر است این روش راه بسیار مناسبی برای دسترسی به روایات مستقیم و تجارب دست اول گروههای اجتماعی بعد از فجایع است چرا که با جمع آوری اطلاعات زیربنایی^۲ در روشهای کیفی داده‌های عمیق، اساسی و صمیمی درباره گروههای کوچک به دست می‌آوریم و

1 Grounded theory
2 data base

این روش به تمرکز محقق بر زمینه^۱ تحقیق و اکتشاف بیشتر برای تایید اطلاعات کمک خواهد کرد، روشهای کیفی در واقع اجازه ظهور اطلاعات عمیق در مصاحبه‌های عمیق را می‌دهد و چیزهایی که ما نمی‌توانیم از اسناد مکتوب و پرسش نامه‌های بسته به دست بیاوریم با تکنیک‌های مصاحبه عمیق و مشاهده مشارکتی کشف خواهیم کرد و همانطور که داده‌ها را جمع آوری و تجزیه و تحلیل می‌کنیم به اطلاعات عمیق و غنی تر دست پیدا می‌کنیم که در ادبیات تحقیق آن‌ها ثبت و ذکر نشده‌اند.

برخلاف پژوهش کمی که در آن با استفاده از فنون گوناگون نمونه گیری احتمالی مواردی انتخاب می‌شوند که نماینده واقعی کل جامعه‌اند، در پژوهش کیفی نمونه‌ها به طور هدفمند انتخاب می‌شوند و پژوهش گر عمداً به انتخاب محیط‌ها، افراد یا رخ داده‌های ویژه‌ای می‌پردازد که اطلاعات مهمی را تامین می‌کنند؛ اطلاعاتی که به دست آوردنشان از طریق سایر انتخاب‌ها میسر نیست و مهم ترین اصلی که در نظر گرفته می‌شود انتخاب محیط‌ها، زمان‌ها و افرادی است که قادرند برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش اطلاعات لازم را فراهم کنند (م. ازکیا و ح. ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰: ۶۰).

میدان مطالعه در این تحقیق ۲۵ زن جوان ساکن در بم بازمانده از زلزله ۱۳۸۲ است، که بصورت هدفمند نمونه گیری شدند. با تمامی این زنان مصاحبه عمیق صورت گرفت که از ۴۰ تا ۶۰ دقیقه برای هر مصاحبه زمان صرف شده است. در ابتدای پژوهش، ابتدا بصورت نمونه‌گیری هدفمند از بین زنانی که تجربه سکونت در چادرو کانکس و اردوگاههای بم بعد از زلزله داشتند زنانی با معرفی دوستان، آشنایان و بعضی مسئولین بمی و حتی درخواست خودشان انتخاب و با ایشان مصاحبه می‌شد.

زنان بمی براساس منطقه مسکونی، تحصیلات، شغل مجزا شدند و سوالات متفاوتی پرسیده شد اما به هر سه گروه اجازه داده شد در مصاحبه روایی بصورت آزادانه و به دور از قید و بند سوالات تحقیق، روایت‌های خود را با تجربیات دقایق و روزهای اول زلزله آغاز کنند. این روند به این افراد اجازه می‌داد که با محقق احساس اعتماد بیشتری پیدا کنند و لذا در مرحله بعدی و

طرح سوالات شخصی و خانوادگی بدون سانسور تجربه خود را در میان بگذارند. گرچه بعضی از این زنان در طول مصاحبه چند باری با مکث از محقق می‌خواستند که این مباحث جایی مطرح نشود، این تقسیم بندی باعث شد که در نهایت مفاهیم جدیدتر و بنیادی تری کشف گردد و از تکرار سوالات خودداری شود. گرچه کار سخت ترمی شود، اما می‌توانیم با افراد، بهتر و بیشتر صحبت کنیم و داده‌های جدیدتری کشف کنیم. زنان همگی اهل بم بودند و تجربه سکونت در چادر و کانکس در منطقه آسیب دیده را داشتند. مصاحبه‌ها در شهر بم در خانه یا محل کار یا کافی شاپ و بعضاً به درخواست راوی در محیط تلگرام انجام شد و از ۳۰ دقیقه تا ۲ ساعت طول کشید و بعد از مصاحبه با ۱۱ نفر از زنان طبقه اقتصادی پایین و ۱۴ نفر از زنان طبقه متوسط اقتصادی به اشباع نظری رسیدیم، هم چنین برای توسعه مقوله‌های ابتدایی و سودمندتر کردن آن‌ها از نمونه گیری نظری استفاده شد که بعد از مصاحبه با زنان انتخاب شده اولیه با توجه به پاسخ‌های ایشان از میان سوالات مطرح شده و در مصاحبه‌ها به مفاهیم جدیدی رسیدیم که از نمونه گیری نظری با هدف شناسایی مفاهیم جدید تر و منطبق با مقوله‌ها، نمونه‌های بعدی انتخاب گردید. «فرایند این نمونه گیری ماهیتی تکراری دارد به این صورت که محقق نمونه اولیه را بر می‌دارد، داده‌ها را تحلیل می‌کند و سپس نمونه‌های بیش تر را برای پالایش مقوله‌ها و نظریه‌های در حال ظهور خود مجدداً بر می‌دارد این فرایند تا زمانی ادامه می‌یابد که محقق به مرحله اشباع داده‌ها برسد یعنی مرحله‌ای که در آن از گسترش بیش تر نمونه‌ها هیچ بینش و ایده جدیدی حاصل نمی‌شود» (ا. محمدپور، ۱۳۹۰: ۴۱).

در ابتدا سه نفر از زنان طبقه متوسط به صورت ناآشکار و تلویحی و دو نفر از زنان طبقه پایین اقتصادی بطور مستقیم در تجارب خود به تحمیل ازدواج از سوی خانواده یا خویشاوندان اشاره کردند و محقق با توجه به مهم بودن این مفهوم از دیگر بانوان خواست اگر کسی را می‌شناسند که ازدواجش اجباری بوده به او معرفی نمایند و مصاحبه آنقدر ادامه یافت تا به تکرار مفاهیم و علل رسیدیم و در این مفهوم، به اشباع نظری رسیدیم.

در این تحقیق در مرحله گردآوری داده‌ها با توجه به روش تحقیق، از تکنیک مصاحبه عمیق به شیوه نیمه ساخت یافته استفاده شده است و به دلیل فاجعه زلزله بم، ابتدا با تکنیک مصاحبه

اپیزودیک، سوالات با این مضمون آغاز شد، شما از زلزله چی بخاطر دارید؟ و اینگونه زنان روایت خود را از روز فاجعه ۵ دی آغاز نمودند. البته به دلیل ترومای ناشی از سانحه و امکان تحریف گذشته در خاطره گویی که «خاطرات موجود در حافظه به طور غیر عمدی و ناهشیارانه توسط هیجانانگ‌شناخت و تجربیات کنونی غربال شده و مورد تحریف قرار گیرند یا ممکن است واپس زنی اتفاق بیفتد یعنی در تکانه‌ها - هیجانانگ‌خاطره‌ها از خودآگاه که در غیر این صورت ایجاد ناراحتی میکند اطلاق میشود این مکانیسم جزو دفاع‌های نوروتیک طبقه بندی شده است» (ا. شارق، ۱۳۸۳: ۴). سوالاتی برای هدایت مصاحبه بعد از چند دقیقه از شروع روایت پرسیده شد که روند مصاحبه از واقعه مدار به روند منطقی مصاحبه‌های کیفی نیمه ساختار یافته تغییر کرد. قبل از مصاحبه به زنان اطمینان داده می‌شد که نام آنها در هنگام ارایه مصاحبه شان کاملاً محرمانه بوده و در هنگام ثبت کدگذاری می‌شود. انجام مصاحبه به این شکل بود که ابتدا با اجازه مصاحبه شونده صحبت‌های ایشان ضبط می‌شد یا به دلیل درخواست ایشان مصاحبه به صورت تلفنی یا اینترنتی با ایشان انجام میشد و پس از آن به رشته تحریر درآورده میشد و پس از انجام هر مصاحبه، کدگذاری باز انجام می‌شد و بر اساس مفاهیم و مقوله‌های ابتدایی بعد از چند مصاحبه اول نمونه گیری نظری نیز انجام شد تا زمانی که به اشباع نظری داده‌ها رسیدیم. تحلیل داده‌ها طی سه مرحله کدگذاری شده که عبارت‌اند از ۱- کدگذاری باز^۱ - ۲- کدگذاری محوری^۲ - ۳- کدگذاری انتخابی^۳.

در این مراحل که به صورت پیوسته دنبال می‌شوند مصاحبه‌های انجام شده به صورت خط به خط تحلیل و کدگذاری شدند. در آغاز و در قالب مرحله کدگذاری باز به هر مفهوم موجود در مصاحبه بر چسبی الصاق شد و براساس ویژگی‌ها و ابعاد هر مفهوم تعداد بسیاری کدهای باز و خام پدیدار شدند. در ادامه و در مرحله کدگذاری محوری هر تعداد از کدهایی که به لحاظ مفهوم و خصایص مرتبط بودند گردآوری و به محوریت یک مقوله سازمان دهی شدند. بدین ترتیب پس از فرایند خرد کردن مصاحبه‌ها به کدها و زیرمقوله‌ها در کدگذاری باز در این مرحله به مرتبط کردن و دسته بندی آنها حول محور موضوعات اصلی پرداخته شد. کدگذاری

1 open coding

2 axial coding

3 selective coding

گزینشی نیز با استفاده از انتخاب مفاهیم و موضوعاتی که در استخراج مضمون اصلی پژوهش موثر به نظر می‌رسند دنبال شد. این مرحله با هدف یکپارچه سازی و پالایش داده‌ها به منظور پدیداری مقوله اصلی و نظریه انجام می‌شود. در کدگذاری گزینشی تلاش می‌شود انتخاب مقوله‌ها به گونه‌ای صورت گیرد که مقوله اصلی استخراج شده عمده مفاهیم پدید آمده در مراحل قبل را پوشش دهد.

در این پژوهش، مصاحبه‌های آغازین ابتدا تحلیل خط به خط و سپس بعد از پدیدار شدن مقوله‌های آغازین به کدگذاری جملات و پاراگراف‌ها اقدام شد. در تحلیل خط به خط، تعداد ۴۴۳ داده خام از مصاحبه با زنان گروه مناطق پایین شهر، تعداد ۵۵۸ داده خام از مصاحبه با زنان مناطق متوسط نشین و ۱۰۰۱ داده خام در مجموع ساخته شدند. با استفاده از دو رویه طرح پرسش و مقایسه کردن و مراجعه مکرر به داده‌ها، داده‌های خام بدل به مفاهیم شدند. تعداد مفاهیم ساخته شده در این مرحله ۷۳۱ مفهوم برای زنان گروه مناطق پایین شهر، ۷۴۲ مفهوم برای زنان مناطق متوسط نشین و در مجموع ۱۴۷۳ مفهوم برای هر دو گروه بدست آمدند. همچنین در حین مراحل کدگذاری سه گانه به مدل پارادیمی مطابق آنچه اشتروس و کوربین مد نظر داشته‌اند توجه شده است که کدام مفاهیم مربوط به بخشهای شرایط علی، شرایط مداخله گر، راهبردها و پیامدها بوده است.

مشخصات پاسخگویان در این پژوهش بر اساس برخی از متغیرهای زمینه‌ای آنان به شرح

زیر است:

جدول شماره ۳. مشخصات زنان مصاحبه شده بر اساس سن، تحصیلات، اشتغال، نوع تاهل

فراوانی	متغیرهای زمینه‌ای	
۱۳	۳۲-۳۷	گروههای سنی
۷	۳۸-۴۳	
۱	۴۴-۴۹	
۱	۵۰-۵۵	
۲	۵۵-۶۰	
۱	۶۱-۶۶	
۹	زیردیپلم	تحصیلات
۸	دیپلم	
۵	لیسانس	
۳	فوق لیسانس و بالاتر	

ادامه جدول شماره ۳. مشخصات زنان مصاحبه شده بر اساس سن، تحصیلات، اشتغال، نوع تاهل

فراوانی	متغیرهای زمینه‌ای	
۱۶	شاغل	وضعیت اشتغال
۹	غیرشاغل	
۳	مجرد بدون ازدواج	نوع تاهل
۱۸	متاهل	
۴	بدون همسر (طلاق-فوت)	
۲۵	جمع پاسخگویان	

۵- یافته‌های پژوهش

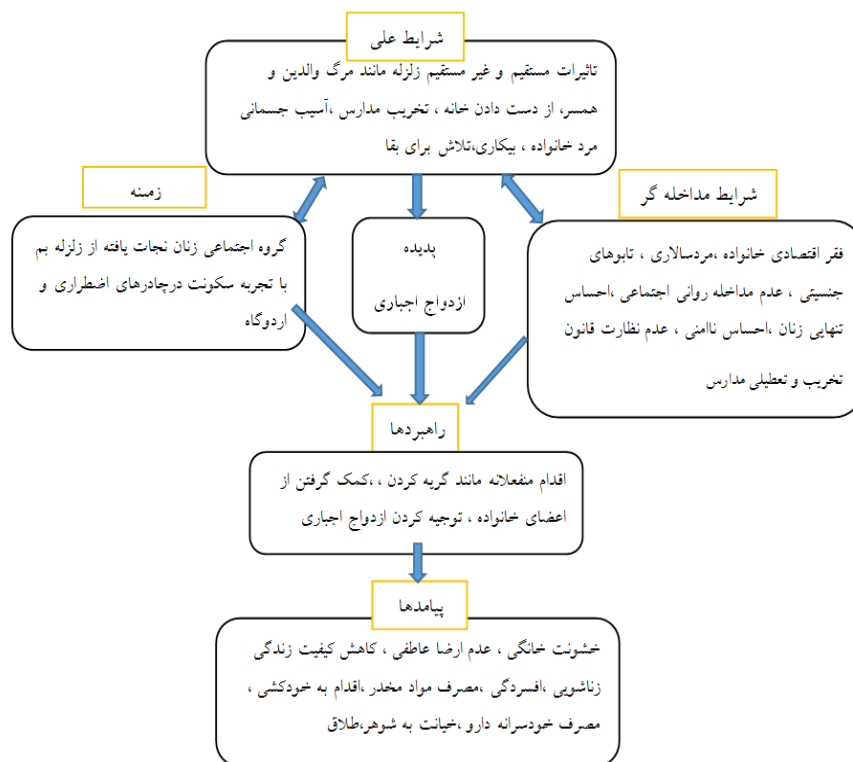
این مقاله به بررسی شرایط علی، مداخله گر در ایجاد پدیده ازدواج اجباری بعد از فاجعه و از طرفی به راهبردهای زنان در مقابله با این پدیده و پیامدهای ناشی از آن در زندگی شخصی و اجتماعی آن‌ها می‌پردازد. با توجه به تکرار این مفهوم در خلال پاسخ‌های کنشگران و تجربه ازدواج در آن شرایط را داشته‌اند در مفاهیم و مقوله‌های برآمده از تحقیق، این پدیده را با عنوان مقوله‌ای در زیر مجموعه مقوله خشونت جنسیتی انتخاب شد، انتخاب این پدیده علاوه بر تکرار، دلایل دیگری نیز داشت از جمله قدرت جذب سایر مقوله‌های مربوط به وضعیت ازدواج مانند ازدواج شتابزده و مصلحتی، برای تشریح بیشتر از مراحل کار و دسته بندی مفاهیم شبیه و هم معنی و پدیدار شدن مقوله‌ها که از مفاهیم ساخته شد، نسبت به نحوه ساخت مقوله "ازدواج اجباری" اقدام میشود، لازم به ذکر است که برای به دست آوردن این مقوله تمامی داده‌های گردآوری شده اعم از داده‌های کتبی و داده‌های مشاهده‌ای مربوط به زنان هر دو گروه تحلیل شد و محقق بطور دایم در داده‌های گردآوری شده غوطه ورگشته و از تکنیک پرسیدن و مقایسه کردن استفاده نموده است، برای مثال بعضی مفاهیم استخراج شده از کدگذاری اولیه داده‌های خام در جدول شماره ۴ ذکر شده است.

جدول شماره ۴. کدگذاری اولیه داده‌های خام

مقوله اصلی	مقولات فرعی	مفاهیم اولیه	داده‌های خام
ازدواج اجباری	ازدواج اجباری عدم رضایت زن	اجبار برادر به شوهر کردن عدم رضایت دختر از خواستگار	زهرا: برادرم زلزله شد نگذاشت بمونم دو ماهی شد بعد از زلزله، دادم به شوهرم که قبل زلزله هم خواستگاری کرده بود گفته بودم نه
	ازدواج شتابزده فشار خویشاوندان (شرایط مداخله گر)	ازدواج از سر تنهایی فشار اطرافیان به ازدواج	ر: می‌دونی ازدواجم اجباری نبود اونطور که می‌گن، ولی مجبوری شدم چون همش فامیلا می‌گفتند تنهایی زشته بده، چرا ازدواج نمی‌کنی، منم بدون تحقیق و همه چی شوهر کردم
	فشار خویشاوندان عدم رضایت زن ازدواج اجباری	فشار فامیل به ازدواج عدم توجه به رضایت زن عقد زوری و اجباری	شادی: عقد من زوری بود درسته قبل زلزله خواستگارم بود و نامزد شده بودیم ولی من وقتی پدر و مادرم مردن دیگه نمیخواستم ازدواج نکنم یا حداقل به این زودی نمی‌خواستم ولی خاله م اینا زورم کردن، هرچی التماسشون میکردم شرایط روحیم خوب نیست بعدا، قبول نکردن تو همین کانکس‌ها منو عقد کردن از کانکس‌ها متنفرم
	تابوهای جنسیتی (شرایط مداخله گر) آزارهای جنسیتی (شرایط مداخله گر) ازدواج شتابزده	زشت بودن بودن زن بیوه در محله آزار و اذیت زنان تنها در اردوگاه ازدواج از سر استیصال	معصومه: من بعد مرگ شوهرم اصلا نمی‌خواستم شوهر کنم، اما اینقدر همه اذیت کردند و زخم زبون زدن که زن بیوه تنها بمونه زشته و مردای اردوگاه اذیت می‌کردند مجبور شدم با یک مرد متاهل ازدواج کنم

پس از بازسازی روایت‌ها و مقایسه مفاهیم با یکدیگر و مراجعه به یادداشت‌های نظری که در جریان مصاحبه و مشاهده صورت گرفت مشخص شد، زنانی که تجربه ازدواج اجباری در زلزله داشته، یا با تحمیل زور و اجبار مرد خانواده در نقش پدر یا برادر و باهدف داشتن زندگی خانوادگی و اقتصادی مطلوب تر و تامین خرج زندگی دختر توسط شوهر مجبور به پذیرش این ازدواج می‌شدند یا به دلیل نگرانی مادر و یا خویشاوندان بعد از فوت پدر یا والدین و با هدف سروسامان گرفتن و رهایی از تنهایی مجبور به پذیرش شتابزده یا از روی بی‌میلی خواستگار

پیشنهادی آنها می‌شدند، براساس مدل پارادایمی^۱ الگوی ای.اشتروس و جی. کوربین (A. Strauss & J. Corbin, 1998) کدگذاری محوری و یک روند منطقی و منظم بین مقولات ایجاد شد، و از بین داده‌ها، شرایط علی^۲ و شرایط مداخله‌گر^۳ پدیده^۴ ازدواج اجباری در زمینه^۵ گروه‌های اجتماعی زنان بازمانده از زلزله ۱۳۸۲ بم و راهبردهای زنان درگیر با این پدیده و پیامدهای این پدیده و راهبردها بر زندگی شخصی و اجتماعی زنان استخراج شده است.



شکل شماره ۱. مدل پارادایمی اشتروس و کوربین پدیده ازدواج اجباری

- 1 paradigm model
- 2 causal conditions
- 3 intervening condition
- 4 phenomenon
- 5 context

۵-۱ شرایط علی

«شرایط علی مجموعه‌های حوادث یا اتفاقات هستند که مسائل و مشکلات مربوط به یک پدیده را ایجاد می‌کنند و به طور مشخص توضیح می‌دهند که چرا و چگونه افراد یا گروه‌ها به روش‌های خاصی به پدیده عکس العمل نشان می‌دهند. شرایط که ما در انگیزه‌های شخصی یا بیوگرافی‌ها پیدا می‌کنیم، ممکن است برگرفته از زمان، مکان، فرهنگ، قوانین، مقررات، باورها، اقتصاد، قدرت، یا عوامل جنسیتی و همچنین دنیای اجتماعی، سازمان‌ها و موسسات باشند (یا همه). این چیزها، یک منبع بالقوه شرایط است، ممکن است شرکت کنندگان در تحقیق همه دلایل آنچه که انجام می‌دهند را ندانند هرچند ممکن است آنها به محقق دلایلی از رفتار خود ارایه دهند» (A. Strauss & J. Corbin, 1998: 130-131). بطور خلاصه منظور از شرایط علی در این مدل «حوادث، رویدادها و اتفاقاتی هستند که منجر به وقوع یا توسعه یک پدیده می‌شوند» (م.ازکیا و ح. ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰: ۹۷).

آن چه موجب پیدایش پدیده ازدواج اجباری یا به بیانی دیگر شرایط علی این پدیده شده است، زلزله و تبعات مستقیم و غیر مستقیم ناشی از آن مانند مرگ سرپرست خانواده پدر یا مادر، از دست دادن خانه و سرپناه، آسیب‌های جسمانی و بیکاری پدر یا سرپرست خانواده و تلاش برای بقا است که خانواده یا خویشاوندان، ازدواج زنان را راهکاری برای برون رفت از مشکلات ناشی از تأثیرات مخرب زلزله انتخاب کرده‌اند.

زلزله بم در همه مناطق بم آسیب وارد نمود بعضی مناطق نیز مانند مناطق نزدیک ارگ بم و گسل بروات، هم از نظر میزان خرابی و هم کشته شدن اعضای خانواده به دلایلی چون نزدیکی این مناطق به گسل، کاهگلی بودن خانه‌ها، ساخت و ساز بدون نظارت خانه‌های مسکونی آجری بیشتر آسیب دیده‌اند. در این میان با مرگ مردان خانواده‌های سستی بم، زنان وضعیت نابسامانی پیدا کردند، دختران بدون حضور پدر و گاهی مادر مجبور به زندگی در کنار خویشاوندان (پدربزرگ، مادربزرگ، عمه، دایی، خاله) و حتی همسایه‌ها بودند و در این میان آنها علاوه بر تحمل رنج مرگ عزیزان، بایستی به تصمیم‌گیرهای مردان و زنان خانواده میزبان نیز احترام می‌گذاشتند، ضمن اینکه بعضی از این دختران هم که مجبور به زندگی با پدربزرگ و مادربزرگشان بوده برای رهایی

از قوانین خانواده جدید و دست یابی به حس استقلال اقدام به ازدواجهایی شتابزده کردند که بعضاً موفق و بعضی نیز ناموفق بوده است و بعضی از این ازدواج‌ها به طلاق، اعتیاد، خشونت و افسردگی انجامید که در بخش پیامدها به آن پرداخته می‌شود.

شادی در زمان زلزله همه اعضای خانواده اش فوت شده و با خانواده فامیلش زندگی می‌کرده، آنها ابتدا در چادرهای اضطراری و سپس بعد از ازدواج در کانکس زندگی کرده است. او از اجبارش برای ازدواج با نامزدش می‌گوید و اینکه راضی نبوده است در آن شرایط عروس شود. خانم ر، که یک دوره شدید افسردگی و اقدام به خودکشی به دلیل مرگ همه اعضای خانواده و دیدن جسد‌های آنها زیر آوار داشته است، از اصرار دایی و دخترخاله اش برای ازدواج می‌گوید. او در نهایت مجبور شد با یکی از خواستگارهای پیشنهادی دخترخاله اش ازدواج کند.

"یه دختر خاله داشتم که شوهرش یک خواهرزاده داشت که یه دوستی داشت

گفت من خیلی تعریف کردم بیا زن این پسر بشو، من خوشم نمی‌آمد اصلاً

نمی‌خواستم ازدواج کنم همه کس من مرده بودند تنها بودم گیر می‌دادند که باید

شوهر کنی، دختر خاله م ۸ ماه، ۹ ماه گفت بیا بخوادش منم گفتم ههههه (خنده) من

این سیاه را بخوام بالاخره دختر خاله م اینقدر اصرار کرد و دست گذاشت روی قران

و قهر کرد تا قبول کردم او ملذذ خواستگاری خلاصه با هم ازدواج کردیم"

به غیر از دختران مجرد، زنانی هم که شوهر خود را در زلزله از دست دادند، علاوه بر سرپرستی خانواده و رسیدگی به وضعیت اقامت در چادر یا کانکس و دریافت کمکهای امدادی برای کسب درآمد و مدیریت اقتصادی خانواده مشکلات زیادی داشتند و این دشواری‌های ناشی از مرگ شوهر و نگهداری از فرزندان، گاهی آنها را مجبور به پذیرش درخواست ازدواج از سوی مردان متأهل، مردان مسن یا پسران جوانتر و یا معتاد کرده است و گاهی نیز دختران کم سن و سال خود را بدون رضایت آنها به عقد پسران فامیل درآوردند، که به گفته خودشان "سایه یک مرد بالای سرشان باشد" و کمی از فشار زندگی نیز کاسته شود.

صالحه یکی دیگر از زنان که در حال حاضر در خانه خود به پرورش جوجه مشغول است.

در زمان زلزله به دلیل بیکاری شوهر و از دست دادن خانه و اموال به نانوائی مشغول بوده است.

او یک سال بعد از زلزله شوهرش را به دلیل سرطان از دست داد و مجبور شد که به تنهایی معاش خانواده را تامین کند. او مجبور شد، دختر ۱۵ ساله اش را به عقد پسر عمه اش در بیاورد.

"شرایط سختی بود، تو چادر تو حیاط خونه بودیم، شب تاریک، عمه اش دوستش داشت وقتی گفت قبول کردم شوهرش دادم، اون موقع دخترم راضی نبود خب مدرسه می‌رفت، ولی الان از زندگی ش راضی هست، ولی من ناراحتم چرا این کارو کردم ولی چاره دیگه‌ای نداشتیم اونا تو یه شهر دیگه بودن دخترم وضعیتش بهتر شد"

معصومه شب زلزله در بم نبوده و همراه با همسر در یکی از روستاهای نزدیک بم اقامت داشته است. او شوهر و برادرش را از دست داده و با دو فرزند مجبور به زندگی در روستا و سپس در چادرهای اضطراری یکی از خیابانهای خانه فامیلش در بم شده است. او در حالیکه صدایش را پایین می‌آورد تا پسر بچه اش که از ادواج دومش است، حرفهایش را نشنود میگوید:

"زمان زلزله یکی از امدادگران متوجه شده بود من شوهر ندارم، دایم به من سرکشی می‌کرد منم فهمیدم که نگاهش فرق می‌کنه ولی می‌ترسیدم به کسی چیزی بگم، یک شب یهو اومد تو چادر من با التماس بیرونش کردم و فرداش وسایلمو جمع کردم رفتم تو خیابان خونه خودمون ولی اونجا هم تنها بودیم رفتم اردوگاه که امنیت بیشتری داشت اونجا هم نگاهها به ما زنان بیوه فرق می‌کرد، زندگی سخت بود باید برای خودم و بچه‌ها یه کاری می‌کردم، بالاخره با یک مرد متاهل و بچه دار که فهمیده بود تنها هستم ازدواج کردم"

زلزله و تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم آن از نظر تقدم زمانی علت اصلی بازگشت الگوی ازدواج اجباری در بم بوده است. این عامل آنچه را که طی سالها مبارزات اجتماعی زنان و مردان به الگویی مناسب جامعه مدرن تبدیل کرده بود را مجدد وارد زندگی زنان کرد زیرا زلزله و ترسهای ناشی از آن و از دست دادن اموال و خانه و سرپناه، گزینه تلاش برای بقا و زندگی را بیدار کرد.

زهره "اگر زلزله نمی‌شد با هر بدبختی بود با بابام اینا زندگی می‌کردیم مدرسه می‌رفتم" صالحه: "اگر زلزله نمی‌شد اینقدر غم نداشتیم، منم مجبور نبودم دخترمو شوهر بدم"

۲-۵ زمینه

«زمینه بیانگر مجموعه شرایط خاصی است که درون آن راهبردهای کنش /واکنش انجام می‌شود» (م.ازکیاو ح. ایمانی جاجرم ۱۳۹۰: ۹۷). زمینه یعنی مکان حوادث یا وقایع مربوط به پدیده در طول یک محدوده دارای بعد (اشتروس و کوربین به نقل از م.ازکیا، ۱۳۹۰: ۹۸). زمینه این پژوهش، تجربه‌های زندگی زنان نجات یافته از زلزله مخرب ۵ دیماه ۱۳۸۲ بم و ساکن در چادرهای اضطراری و کانکس‌های شخصی ساکن یا اردوگاهها بوده است. پدیده ازدواج اجباری از داده‌های ارایه شده از زنانی که تجربه ازدواج در سالهای اولیه بعد از زلزله داشته‌اند و مجبور به پذیرش شوهر از سوی اطرافیان شده‌اند استخراج و مورد بررسی قرار گرفت.

۳-۵ شرایط مداخله گر

ای.اشتروس و جی. کوربین (1998: 130-131) معتقدند «شرایط مداخله گر، آنهایی هستند که تاثیرات شرایط علی در پدیده‌ها را کاهش یا افزایش یا تغییر می‌دهند، بطور مثال یک نوجوان که با وجود در دسترس بودن موادمخدر ناگهان احساس می‌کند که مصرف مواد مخدر برای او مناسب نیست، ضمن اینکه شرایط مداخله گر می‌تواند توضیح دهد که چرا برخی از نوجوانان به امتحان کردن موادمخدر می‌پردازند و بقیه نه، هم شرایط علی و هم شرایط مداخله گر از سطح کلان یا خرد ایجاد می‌شود و راهبردها / تعاملات همیشه از مجموعه‌ای از این شرایط پیروی می‌کند». ازکیا (۱۳۹۰: ۹۷) در تعریف شرایط مداخله گر آورده است «منظور شرایط ساختاری مربوط به راهبردهای عمل /تعامل است که به به پدیده ربط دارد آنها تسهیلگر یا محدودکننده راهبردهایی هستند که درون یک زمینه خاص قرار دارند» گزارشهای سازمان‌های بین المللی بر این نکته تاکید می‌کنند که زنان و کودکان پناهنده و آواره از حوادث طبیعی یا جنگ ممکن است به خاطر تامین غذا یا سرپناه برای خود یا خانواده‌هایشان وارد رابطه جنسی اجباری شوند و یا دختران نوجوان ممکن است به دلیل فقر خانواده با افزایش خطر ابتلا به ازدواج زودرس یا اجباری مواجه شوند. از سوی دیگر ازدواج اجباری می‌تواند پیامد افشای یک سوء استفاده جنسی از آنها باشد.

شرایط مداخله گر ساختاری در ازدواج اجباری این پژوهش، پیچیده و وابسته به یکدیگر است و شامل فقر اقتصادی، نابرابری جنسیتی، اجرای ضعیف قانون، احساس ناامنی و تنهایی

زنان بوده است. در زلزله بم بعضی از خانواده‌های ساکن مناطق طبقه اقتصادی پایین، به دلیل فقر خانواده و عدم توانایی در ارایه خدمات اقتصادی به همه اعضای خانواده، دختران خود را مجبور به پذیرش ازدواج نمودند. این راه حلی است که در تعداد زیادی از خانواده‌های فقیر و کم درآمد کشورهای آسیایی بعد از فاجعه اتفاق می‌افتد. در گزارشهای کشور بنگلادش بعد از سیل، نمونه‌هایی از فروش یا قاچاق دختران آورده شده است در حالیکه فرزندان پسر را نزد خود نگاه داشته‌اند.

زهره دختری است که در روزهای زلزله در همان چادرها به اجبار برادرش ازدواج کرده است.

"برادرم زلزله که شد منو نگذاشت دیگه بمونم دو ماهی شد بعد از زلزله، دادم به شوهرم میگفت زشته دختر جوونی تو چادر تنها باشه من اصلا شوهرمو نمی‌خواستم، برادرم از قبل بدون رضایت من گفته بود باشه تازه کتکم هم زد، برادر بزرگم بود پدرم فلج شده بود مادرم هم نمی‌خواست منو شوهرم بده برادرم با مادرم هم درگیر شد، من اصلا شوهرمو نمی‌خواستم اصلا دوسش نداشتم اصلا دوس نداشتم ازدواج کنم"

شرط مداخله گر وضعیت اقتصادی خانواده‌های بازماندگان یکی از متغیرهای تاثیر گذار بر شدت شرایط علی یعنی زلزله بوده است. اینکه چرا همه خانواده‌ها و زنان بم تجربه ازدواج اجباری نداشتند، وضعیت اقتصادی این خانواده‌ها قبل از زلزله بود، در شرایط عادی نیز فقر زنان را آسیب‌پذیرتر می‌سازد و در بحرانها این تاثیر مضاعف شده و زنان هم بواسطه زلزله آسیب دیده و هم بواسطه فقر « زنان بیشتر از مردان در معرض خطر قرار دادند زیرا از قابلیت و امکانات لازم برای کاهش فقر محروم‌اند و همچنین محدودیت تحرک اجتماعی و اقتصادی آنها تحت تاثیر عوامل فرهنگی و قانونی، مبارزه با فقر را برای زنان شوارتر می‌سازد (ژ. شادی طلب، ۱۳۸۳: ۵۰).

زنانی که در خانواده‌های فقیر تر و محله‌های پایین شهر بم سکونت داشتند، در طول زلزله بیشتر در معرض خشونت جنسیتی از جمله ازدواج اجباری، کتک خوردن از مردان خانواده و عدم

برآورده شدن نیازهایشان و... قرار گرفتند. آنها بعد از زلزله همان اندک پس انداز خود را به دلیل از دست دادن خانه و وسایل و گاهی شغلشان از دست دادند و سالهای بعد از زلزله وضعیت اقتصادی این گروه از جامعه بدتر نیز شد. فقر در زنان بازمانده از زلزله تاثیرات بیشتری گذاشت. داده‌های برآمده از تحقیق نشان داد که هر چه کنشگران از سرمایه‌های اقتصادی - فرهنگی کمتری برخوردار بوده‌اند، بیشتر توسط خانواده مجبور به ازدواج اجباری شده‌اند. از سوی دیگر با توجه به شرایط زندگی زنان تنها بدون حضور پدر یا دیگر مردان خانواده به دلیل احساس ناامنی بوجود آمده در زندگی در چادرها و اردوگاههای بازماندگان حوادث طبیعی انتخاب شوهر برای زنان تنها یکی از راهکارهای مقابله با احساس ناامنی و تنهایی است. در این میان بعضی از مادران خانواده که همسرشان را در زلزله از دست داده‌اند برای سروسامان بخشیدن به زندگی دخترانشان و ترس از مجرد ماندن آنها آنها را قانع می‌کنند که ازدواج برایشان بهتر است. لیلا در زمان زلزله پدرش را از دست داد و با مادر و خواهر و برادرانش زندگی می‌کرده است.

"بنده جزو افرادی بودم که اصلاً بعد از زلزله علاقه‌ای به ازدواج نداشتم، اما مادرم همیشه نگران بود و عقیده اش این بود اگر روزی مرگ برای خودش هم فرا برسد سرنوشت ما چه میشود و همیشه میگفت من شرایط جسمی خوبی ندارم و زمانی خیالم راحت میشود که شما سر و سامان بگیرید، برای همین دو سال بعد از زلزله به خواست مادرم، با پسر داییم ازدواج کردم و خدا رو شکر راضی هستم، خواهران دیگرم به همین منوال ازدواج کردند"

عدم مدیریت امنیت برای زنان در مناطق آسیب دیده، ساختمان‌های تخریب شده، سگ‌های ولگرد، مردان سواستفاده گر از تنهایی زنان باعث ایجاد احساس ناامنی در زنان تنها در هنگام بحران‌های طبیعی می‌شود. زنان به دلیل وضعیت فیزیولوژی، فرهنگی و کلیشه‌ای جنسیتی در معرض آسیب بیشتری هستند. «در طول چند دهه گذشته، تعداد حوادث طبیعی افزایش یافته است، و عدم دسترسی به خدمات اساسی برای دختران در زمان حوادث طبیعی مانند آموزش آنها را تهدید می‌کند، و به این ترتیب خطر ازدواج اجباری را افزایش می‌دهد اگر به کشورهای

که دارای آسیب پذیری زیاد به تغییرات آب و هوایی نگاه کنیم می بینیم که میزان ازدواج فرزندان نیز بالاست» (irfc,2015).

یکی دیگر از شرایط مداخله گر در ازدواج اجباری زنان در زمان حوادث طبیعی مردسالاری حاکم بر جامعه و تابوهای جنسیتی است که زنان بدون حضور مرد را ناتوان در مراقبت خود و خانواده می داند و ضمن اینکه حضور زنان بیوه را باعث شرمساری و آبروریزی خانواده قلمداد می کنند و به این دلیل دختران تنها و زنان خودسرپرست را مجبور به انتخاب یک همسر می کنند حتی اگر مرد خواستگار زن دیگری داشته باشد، در زمان بحران های طبیعی به دلیل بهم خوردن نظم اجتماعی و افزایش حضور افراد غیربومی و مزاحم در منطقه زنان تنها و مجرد در منطقه تجربه هایی از ایجاد مزاحمت را روایت کردند .

نوا: " چون داشتم نبود پیشمون و بعضی ادمهای کوتاه فکر و احمقی دور و بر خونمون بود اومدم ارگ خونمون اجاره کردم، کرایش سنگین بود ولی سنگین تر از آزار و اذیت همسایه هامون نبود. یا شایدم دزد بودن...نمیدونم...نیمه شبها اجر پرت میکردن تو خونمون! زنگ زدیم پلیس اومد چند دفعه ولی اخرش معلوم نشد کی بود و به چه قصدی اینکارو میکرد"

خانم ر "من تو کانکس امنیت نداشتم یه مدتی چند نفری منو اذیت می کردند من شبها که می خوابیدم میامدند آجر را می انداختند روی سقف کانکس، من نمی تونستم کنار عمو و عمه زندگی کنم شرایط جوری بود نمی شد برم من مجرد بودم پسر داشتند من راحت نبودم، ههههه شبها یه سیم برق می زدم و برق یه سرش می زاشتم روی در کانکس، می ترسیدم من شنیده بودم بعضی زنا را اذیت می کردند گفتم اینطوری کسی نیاد تو"

این زنان، نیز تحت تاثیر وضعیت نابسامان زلزله، ازدواج را مناسب ترین استراتژی مقابله با احساس ناامنی و تنهایی خود در آن زمان ذکر می کنند. معصومه در بخشی از صحبت هایش از پیشنهاد روابط نامشروع مردان متأهل اردوگاه می گوید و اینکه این موضوع او را اذیت می کرد .

شادی: "از چادر متنفرم چون عقلم رو تو چادر بستم من دلم نمی‌خواست الان شوهر کنم ولی از بس گفتند که باید شوهر کنی منم گفتم باشه از طرفی شبا تو چادر با مردای غریبه خوابیدم البته فامیلام بودن اما من بینشون تنها بودم تصمیم گرفتم برای اینکه جدا بشیم شوهر کنم برم تو چادر خودمون"

تابوهای جنسیتی و مردسالاری جامعه گرچه پنهان ولی تاثیر گذار است و می‌تواند باعث افزایش ازدواج‌های اجباری زنان در حوادث طبیعی شود. مرد سالاری زنان را موجوداتی می‌داند که باید برای حمایت از خانواده خود را فدا کنند و از خود اختیاری ندارند. این تفکر زنان را کالایی برای رفع نیازهای اقتصادی می‌داند و زنان تنها و بدون مرد را انسانهایی بیچاره و بدون تکیه گاه تصور می‌کند و این فکر را در میان همه مردم رایج می‌کند که زنان تنها، راههای ساده‌ای برای تامین نیازهای جنسی و اقتصادی مردان خانواده و جامعه هستند.

خانم خ در زمان زلزله همسر مردی مسن شده:

"بابام اینا گفتند ازدواج کن، می‌گفتن این مرده همه چی داره منم زنش شدم بعدش فهمیدم معتاده ازش طلاق گرفتم و برگشتم خونه بابام با پسر و تو حیاطشون تو کانس زندگی می‌کنم."

۵-۴ پدیده ازدواج اجباری

اشتروس و کوربین (1998: 130) مبدع این مدل پارادایم نظری در تحقیقات کیفی معتقدند که پدیده «یک اصطلاح است که به پرسش «در اینجا چه می‌گذرد» پاسخ می‌دهد، در جستجوی پدیده، ما به دنبال الگوهای تکراری اتفاقات، حوادث یا اقدامات / تعاملاتی هستیم که نشان دهنده آنچه مردم به تنهایی یا با دیگران در پاسخ به مشکلات و موقعیتهایی که آنها خودشان را در آن می‌بینند، می‌گویند یا انجام می‌دهند و هر الگویی مجموعه‌ای از شرایط خاص خود را دارد که مربوط به آن است.

در این پژوهش پدیده الگوی ازدواج اجباری است که در میان زنان بم مشاهده شده و رویدادی بوده است که هم در زمان زلزله برای این گروه مشکل آفرین شده است و هم در شرایط فعلی از پیامدهای آن به چالش می‌پردازند. ازدواج اجباری ازدواجی است که بدون

رضایت دختر یا پسر انجام شود. در اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل، ماده ۱۶، بخش ۲ آمده است، ازدواج تنها با موافقت آزاد و کامل از همسران احتمالی نافذ است» (A. Voulgari, 2013: 5). «ازدواج برخورداری دراماتیک بین فرهنگ و طبیعت یا میان قواعد اجتماعی و کشش جنسی است به این صورت که جامعه می‌کوشد تا روابط غریزی را مهار کرده به آن رنگ فرهنگ بزند. گذشته از چهار خصلت، ارتباط اجتماعی، تخالف جنسی پایایی و قرارداد اجتماعی، ازدواج ارتباطی را می‌سازد که در مقایسه با دیگر ارتباطات انسانی دارای ماهیتی است بی‌نظیر» (ب. ساروخانی، ۱۳۷۰) این نوع ازدواج با شاخص عدم رضایت دختر یا پسر شناخته می‌شود، پس وقتی هر دو طرف یا یک طرف نسبت به عقد انجام شده رضایت قلبی یا رضایت ظاهری نداشته باشد، ازدواج از نوع اجباری است. پرداختن به این مفهوم بستگی به فرهنگ و سنت‌های هر منطقه نیز دارد، بطور مثال در یک فرهنگ سنتی پدسالار، این نوع ازدواج با انتخاب پدر یا پدربزرگ اتفاق می‌افتد و رضایت زوجین برای ازدواج دارای اهمیت نبوده و مفهومی به نام ازدواج اجباری دور از ذهن است و انواع دیگری مانند ازدواج فرمایشی یا تنظیم شده را شامل می‌شود و «طبق اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده ۱۶، ازدواج اجباری نقض آشکار استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر است و از دیدگاه حقوق بشر، ازدواج تنها با رضایت آزاد و کامل همسران متعهد مورد پذیرش است» (A. Gill & A. Sunderi, 2012: 25).

۵-۵ اقدامات و تعاملات

«تاکتیک‌های استراتژیک روزمره^۱، یعنی چگونه اشخاص با موقعیت‌ها، مشکلات و مسائلی که با آنها مواجه می‌شوند، برخورد می‌کنند. این‌ها نشان می‌دهد که مردم یا سازمان‌ها، دنیای اجتماعی یا ملت‌ها چه می‌گویند یا انجام می‌دهند. اقدامات / تعاملات استراتژیک هدفمند و عمدی هستند که برای حل مشکل استفاده می‌شوند و به همین ترتیب پدیده را نیز به نوعی شکل می‌دهند. روالها اقدامات / تعاملات شیوه‌هایی هستند برای پاسخ دادن مردم به وقایع در زندگی روزمره و در سازمانها، قوانین و مقررات و رویه‌ها را در بر می‌گیرد. هرچند پژوهشگران تمایل دارند مطالعات خود را دربر روی راهکارهای پروبلماتیک متمرکز کنند، اما بررسی راهکارهای

1 routin strategies

روزمره مهم است، زیرا اقدامات/تعاملات روزمره متمایل به حفظ نظم اجتماعی را نشان می‌دهند. اصطلاح "عمل / تعامل" مفهوم مهمی است چرا که افراد تعریف و یا معانی را به موقعیت می‌دهند» (A. Strauss & J. Corbin, 1998: 133-134).

داده‌های به دست آمده از تجارب زنان نشان از این دارد که راهبردهایی که کنشگران در برابر پدیده ازدواج اجباری در پیش گرفته و انجام داده بودند منفعلانه بوده که در نهایت، نفعی برای آنها در بر نداشته ضمن اینکه وضعیت اقتصادی و سلامت روانی شان نیز بر انتخاب راهبردها تاثیر داشته است. اولین کنشی که کنشگران به آن اقدام کرده‌اند، **کمک گرفتن از خانواده بوده است**، بطورمثال زهرا در ابتدا از پدر و مادرش کمک خواسته است، اما پدر به دلیل فلج بودن و شغل سیگار فروشی و عدم توان تامین معاش دو فرزند (پسر و دختر) ترجیح داده است که خرج دختر از خانواده جدا شود، ضمن اینکه برادر بیشتر خرج خانه را می‌داده است و تصمیم گیری با او بوده و مادر نیز با وجود درگیری و بحث به دلیل نداشتن قدرت در هرم خانواده نتوانسته کاری بکند. از طرفی زهرا نیز بعد از مخالفت شدید چندین بار کتک خورده تا بعد از فشارهای زیاد با شوهرش عقد می‌کند. این موضوع نشان می‌دهد که فقر اقتصادی بر تصمیم گیری پدر خانواده تاثیر گذار بوده است .

شادی نیز منفعلانه در برابر اجبار خاله‌اش عکس العمل نشان داده است او تنها کاری که می‌کند التماس کردن و گریه کردن است با وجود اینکه شادی دانشجو بوده، اما به دلیل افسردگی ناشی از مرگ اعضای خانواده دچار بی‌تفاوتی شده و در تصمیم‌گیری و مقاومت تاثیر داشته است در نتیجه او نیز ازدواج را قبول کرده است .

شادی: "من هر چی التماسشون کردم نپذیرفتن، عروسی من بدترین عروسی دنیا بود اصلا هیچ چیزی رو دوست نداشتم، مرده متحرکی بودم که اونا برام تصمیم‌گیری میکردن"

کنش دیگر کنشگران این بوده است که این اقدام را به نوعی **توجیه** کردند تا به آرامش برسند؛ اینکه بزرگ خانواده صلاح آنها را در این دانسته است، از طرفی چون مردان خانواده نان

آور خانواده بوده و سرپرست و بزرگ خانه محسوب می شدند، زنان نقشهای انفعالی داشته و نمی توانستند در برابر خشونت خانگی یا رفتارهای اجباری آنها واکنش فعال داشته باشند و اینکه اگر ازدواج نمی کردند، تنها و بی سرو سامان می ماندند .

زها با وجود تنفرش از شوهر ناگهان می گوید: «خب می دونی خانواده ام هم گناهی نداشتن، بهتر از اینکه دختر جوونی تو چادر باشه اونم تنها»

خانم ر "ازدواج اجباری نبود، خب بهم می گفتند نگران تنهایی ازدواج کن دیگه ...چرا ازدواج نمی کنی، خوبی منو می خواستن...من هم گفتم باشه و شوهر کردم" نوا که هنوز از نشانه های افسردگی اش رنج می برد "بخاطر این ضربه ای که بعد زلزله خورده بودم درسم و زندگیم بهم ریخته بود، اصلا امدادگی ازدواج رو در خودم نمی دیدم و همه رو الکی رد میکردم، بعدش دیگه داشتم دیگه صداس دروآمد و منم مجبوری یکی از خواستگارمو انتخاب کردم"

۶-۵ پیامدها

«دنبال کردن پیامدها^۱ در نظریه بنیانی مهم است» (م.ازکیا و ح. ایمانی جاجرمی، ۱۳۹۰: ۹۹). آخرین بخش از مدل پارادایمی اشتروس و کوربین، اصطلاح پیامدها یا عواقب هست که نتیجه پدیده و راهبردهای انتخاب شده در زندگی کنشگران می باشد، نکته قابل ذکر این است که لزوما همه کنشگران این پیامدها را تجربه نخواهند کرد که این نیز به دلیل تفاوت های فردی و اجتماعی افراد و جامعه می باشد. «پیامدها، مانند شرایط، خواص ذاتی دارند، مانند اینکه پیامدها ممکن است منفرد (معمولا نه) و یا به صورت دسته بندی باشند، ممکن است برای فرد قابل مشاهده باشد، اما برای دیگران نه و یا بالعکس، آنها ممکن است فوری یا تجمعی، برگشت پذیر یا غیرقابل پیش بینی باشند. تاثیر آنها ممکن است محدود و کم باشد (تنها در بخش کوچکی از زمینه تاثیر بگذارد) و یا گسترده تر باشند (دنباله ای از رویدادهایی ناگوار که به طور کامل یک زمینه را تغییر می دهد) که ما به عنوان یک تحلیلگر، می خواهیم تا حد زیادی از این پیامدها را در تجزیه و تحلیل هایمان به دست بیاوریم» (1998: 134-135).

می‌توان یک نکته را نیز به این مساله اضافه کرد که یک پیامد می‌تواند پدیده یک مدل پارادایمی دیگر باشد که نیاز به بررسی شرایط علی و مداخله گر جداگانه دارد مانند اقدام به خودکشی در زنان در فجایع طبیعی که پیامد پدیده آسیب‌های شناختی-هیجانی کنشگران در فجایع طبیعی است و دلیل اصلی آن افسردگی و اختلال استرس پس از سانحه می‌باشد، اما خود یک پدیده‌ای است که به عنوان یک الگوی رفتاری در زمان فجایع طبیعی هم در زنان و هم در مردان داغ‌دیده قابل بررسی است.

پدیده ازدواج اجباری در این تحقیق به عنوان یک خشونت خانگی و راهبردهای منفعلانه کنشگران هم زمان، باعث نارضایتی زناشویی بعد از ازدواج در آنها شده است. در تحقیقات روانشناسان مراکز مشاوره خانواده در وضعیت‌های غیربحرانی نیز آمده است که: «ازدواج‌هایی که با رضایت فرد و موافقت خانواده صورت می‌گیرد، هم در سالهای اولیه ازدواج و هم در درازمدت، با سازگاری زناشویی بیشتری همراه است» (ع. مظاهری و همکاران، ۱۳۸۸) در حالیکه ازدواج اجباری از شاخص رضایت برخوردار نبوده و زنان خود را قربانی یک خشونت اجتماعی ناشی از تأثیرات زلزله می‌دانند این نارضایتی زناشویی هم در ارتباطات بین فردی آنها و هم در رابطه جنسی زن و شوهر تأثیر گذار است چرا که زنان احساس خشم پنهانی در درون داشته و خود را قربانی این ماجرا می‌پنداشتند.

زهره "رابطه زناشویی خراب... ما تا الان چند بار می‌خواستیم طلاق بگیریم، من

از نظر زناشویی با شوهرم کاری ندارم، اصلاً ارضا نمی‌شم"

بعضی نیز تمایلی به رابطه جنسی نداشته و با اجبار همسر آن را انجام داده‌اند.

شادی "برخلاف شوهرم که دوست داشت من بخندم شاد باشم رابطه زناشویی

داشته باشم من همه اینهارو گناه میدونستم بعدشم من اصلاً نمی‌تونستم"

این احساس خشم و تنفر از شوهر اجباری علاوه بر نارضایتی زناشویی، باعث شده بوده زنان تجربه خشونت از طرف شوهر یا خانواده شوهر داشته باشند. آنها با یکدیگر مجادله و بحث کرده که در نهایت بعضی اوقات این مجادله به کتک خوردن زن منجر شده است.

زهرا: "شوهرم اصلاً اخلاق نداشت از همون اول، الان هم اخلاق نداره با همه دعوا می‌کنه، تو همون چادر که بودیم کتک هم می‌زد خب دوستش نداشتم اونم می‌فهمید، همسایه‌ها چند بار اومدن به برادرم گفتن اونم می‌گفت همه شوهرها زناشون رو می‌زنند (می‌خندد) خودش هم زنش رو می‌زنه چطویه بار هم شوهرم سرمو زد به درخت یک روز بیهوش بودم"

مصرف و قطع خودسرانه داروهای مسکن و آرامبخش برای رسیدن به آرامش در این زنان تجربه شده است و در بعضی از زنان که ارضای نیازهای عاطفی و جنسی نیز نداشته رابطه با مردان دیگر را تجربه کرده‌اند که باعث افزایش خشونت خانگی شده است، ضمن اینکه بعضی از مردان نیز به دلیل اینکه بخاطر پول یا دلایل دیگر مجبور به ازدواج با زن پیشنهادی بازمانده از زلزله شده‌اند نیز به دلیل نبود عشق، به خیانت دست زده‌اند و این موضوع افسردگی و احساس خشم زنان را بیشتر کرده و آنها را به سمت مصرف مواد مخدر سوق داده است.

زری "من می‌رم از خونه بیرون برمی‌گردم شوهرم چون بدایمونه به من شک داره می‌گه رفتی با کسی بعدش به زور پیش من می‌خوابه می‌گه اینطوری معاینه ات می‌کنم که با کسی بودی یا نه"

خانم ر می‌گوید:

با وجود اینکه دوستش نداشتم، هیچی براش کم نداشتم خونه مال خودم بود زندگی‌م مال خودم بود شوهرم با یه لباس و پیراهن اومد خونه ما، طلائی که داشتم ۴۵ میلیون تومان بود در اختیارش گذاشتم ولی یه آدمی بود دنبال دختر بازی و با زنهای دیگه رابطه داشت منم می‌دونستم، یه اینقدر شیریه تریاک می‌چسبوندم می‌کشیدم تا صبح خودمو سرگرم می‌کردم که اینا از سرم بره، اونم پیش زن دیگه‌ای بود"

پس از افشای خیانت، «همسر آسیب‌دیده احساس خشم به همسر، احساس شرم، دستپاچگی، از دست دادن احساس هویت، احساس گناه، کاهش عزت نفس و عدم امنیت را تجربه می‌کند» (آ. آمینی‌ها و همکاران، ۱۳۹۴) و سلامت همسر خیانت دیده آسیب می‌بیند، در

حالی‌که این زنان به دلیل نداشتن حمایت مالی و پشتوانه خانوادگی با وجود این آسیب نتوانستند طلاق بگیرند و آن را تحمل می‌کنند.

احساس انزوا^۱ یکی از بزرگترین پیامدهایی است که زنان در معرض تهدید ازدواج اجباری آن را لمس می‌کنند، آنها فکر میکنند چون متعلق به طبقه پایین جامعه هستند غیر از این سرنوشتی نخواهند داشت. آنها می‌گویند اگر زلزله نمی‌شد، یا پدر و مادرشان نمی‌مردند یا وضعیت مالی و سواد خوبی داشتند مجبور نبودند با این مرد زندگی کنند و این نداشتن‌ها باعث شده است حتی نتوانند طلاق بگیرند چون بدبخت‌تر خواهند شد.

تعدادی از این دختران به دلیل ازدواج اجباری با مردان به دلیل عدم تحقیق و عدم اجباری بودن آزمایش‌های اعتیاد، بعد از ازدواج متوجه اعتیاد شوهر و خانواده شوهرشان شدند که بعضی از این زنان متأسفانه توسط شوهر یا خانواده شوهرشان معتاد شدند.

راما: « بعد از ازدواج یک سالی گذشت دیدم مادرش داره یه جوری شیر می‌کشد می‌گن قلیون چراغ همینطور خوابیده داره شیر می‌کشد بعدش دیدم شوهرم می‌شینه هر جایی می‌کشد من نمی‌دونستم معتاده و گرنه عمرا زنش می‌شدم تا اینکه سرماخوردم، مادرشوهرم گفت بیا دو تا دود از اینا بکش خوب می‌شی، منم کشیدم گفتم به چه مزه‌ای می‌ده چقدر خوبه »

زری بعد از ازدواج توسط شوهرش معتاد شد او تعریف می‌کند:

« شوهرم کم‌کتکم نزده بود، معتاد بود اخلاق نداشت یه دفعه سرمو زد به درخت خرما وسط باغچه منم بیهوش شده بودم، همسایه بهش گفته بود حداقل ۴ تا دود بده بهش این داره از بین می‌بره، اینطوری شد که هر وقت درد داشتم شوهرم می‌داد من تریاک بکشم.»

۶- بحث و استنباط نظری

زلزله تأثیر متفاوتی بر زنان و مردان می‌گذارد و جنسیت متغیر تأثیرگذار و مهمی در آسیب پذیری فاجعه در مناطق بحران زده است. این تفاوت هم به دلیل مسائل بیولوژیکی و هم

تفاوت‌های روانی و اجتماعی ناشی از نوع ساختارهای جامعه و نابرابری‌های جنسیتی است که در همه جای دنیا وجود دارد. زنان فاجعه زده علاوه بر آسیب‌های جسمانی و اقتصادی، مشکلات روحی، خشونت خانگی، بیکاری، افزایش فقر، اعتیاد، تفکر خودکشی، کاهش اعتماد به نفس، مهاجرت مردان و گاهی چند همسری را تجربه می‌کنند.

نتایج این پژوهش نشان داده است که با وقوع یک فاجعه مخرب مانند زلزله ۱۳۸۲ بم، که خرابی‌های زیادی در پی داشت پدیده ازدواج تحمیلی یا اجباری اتفاق افتاده است، بنا به گفته این زنان، آنها از سوی مردان خانواده، خویشاوندان و حتی همسایه‌ها تحت فشار برای انتخاب همسر بوده‌اند. دامنه دلایل این اجبار از نگرانی ناشی از عدم امنیت در مناطق زلزله زده شروع تا دلایل اقتصادی یا ارث و میراث زنان تنها مانده کشیده شده است. شکل‌های غالب ازدواج بعد از فاجعه، بصورت ازدواج اجباری و ازدواج شتابزده می‌باشد که پس از تحلیل مصاحبه‌ها به دلیل پررنگ بودن جبر زنان به پذیرش همسر پیشنهادی، در پوشش یک پدیده واحد یعنی ازدواج اجباری قرار گرفت. زنان طبقه‌های اقتصادی پایین که قبل از فاجعه طبیعی با فقر و خشونت مواجه بودند، با چالش‌های مضاعفی پس از زلزله مواجه هستند.

از سوی دیگر این گروه از زنان به دلیل کم سواد و ناآگاهی تخصصی در خصوص حقوق اساسی خود رفتارهای مربوط به نقض حقوق خود را به عنوان یک رفتار عادی و اجتناب ناپذیر دیده‌اند که در انتخاب راهبرد در آنها تاثیر گذار بوده است. در واقع انفعال زنان در برخورد با این پدیده که ناشی از وضعیت نابرابری جنسیتی و مردسالاری جامعه نشأت می‌گیرد و از طرفی وضعیت اقتصادی آنها در بازتولید خشونت خانگی و جنسیتی موثر است. نکته قابل توجه در این مصاحبه‌ها این بود که هیچکدام از این زنان از سیستم حمایتی اجتماعی و حقوقی آگاهی نداشته و استفاده نکردند و این سیستم حمایتی در زمان فاجعه بم فعال نبوده است. فعالان خدمات روانی اجتماعی در منطقه، به دلیل کم آگاهی از این مساله و عدم سرکشی هدفدار به خانواده‌های فقیرتر، نتوانستند با شناسایی گروه‌های حساس اجتماعی و مشکلات احتمالی برای زنان بیوه و مجرد در پیشگیری از ایجاد این پدیده کمک کنند، در حالیکه خشونت علیه زنان دختران می‌تواند از طریق برنامه ریزی و مدیریت زمینه‌ای که مشارکت مردان را نیز شامل

می‌شود، در زمان فاجعه کاهش یابد که این اطلاعات باید از طریق مددکاران اجتماعی و کارشناسان حقوقی متخصص و مجرب که به منطقه اعزام میشوند به زنان منطقه آموزش داده شود. از سوی دیگر به غیر از پیامدهای منفی فاجعه برای زنان «فجایع فرصت منحصر به فردی برای توسعه فراهم می‌کنند و بسیار توصیه می‌شود که بعد از حوادث طبیعی، ظرفیت‌های زنان به منظور بهبود کیفیت زندگی آنها و همچنین ایجاد تغییرات مثبت پس از بلایای طبیعی ارزیابی شود. بطور نمونه زنان و دختران منطقه می‌توانند به مردان در بازسازی خانه‌های آسیب دیده کمک کنند، زنان می‌توانند بازیگران اصلی در مدیریت فاجعه در جامعه باشند، با این حال در اقدامات پس از فاجعه و توسعه، باید عوامل اجتماعی فرهنگی آن منطقه مورد توجه قرار گیرد» (S. Sohrabizade, 2017).

در نهایت با بررسی داده‌های به دست آمده از زنان شرکت کننده می‌توان اینگونه استنباط کرد که ازدواج اجباری یک راه حل فوری ناشی از شتابزدگی جامعه و خانواده‌ها در دوره زمانی نزدیک به زلزله، برای نظم بخشیدن به وضعیت مردان و زنان مجرد و بیوه است و زنان با توجه به سرمایه‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی خود، راهبردهای برخورد با این پدیده را انتخاب و اجرایی می‌کنند که هر چه وضعیت اقتصادی و سرمایه‌های اجتماعی آنها پایین تر باشد بیشتر مورد خشونت جنسیتی قرار گرفته و از پیامدهای منفی ازدواج اجباری رنج می‌برند.

۷- پیشنهادات

- طراحی فرم شناسایی گروه‌های آسیب پذیر بعد از فجایع با هدف کاهش آسیب‌های اجتماعی زنان در سنین مختلف جهت استفاده امدادگران، مددکاران اجتماعی و روانشناسان حاضر در منطقه
- انتخاب یک امین یا نماینده از سوی هر محله با حداقل پوشش ۱۰ خانوار برای دستیابی سریع بازماندگان به خدمات اجتماعی و روانی و انتقال نیازهای این گروه به سازمانهای حامی
- پیگیری فعال مددکار اجتماعی از وضعیت زنان بیوه و مجرد در منطقه
- سرکشی به خانواده‌های فقیر و شناسایی نیازهای آنها و تامین نیازهای اولیه زیستی و اقتصادی آنها

- برگزاری دوره‌های مشاوره گروهی برای زنان و افزایش آگاهی آنها در مهارت تصمیم‌گیری
انتخاب همسر

منابع

- احمدیان، محمدرضا؛ یمین، نعمت‌اللهی (۱۳۸۴)، تحلیلی بر وفیات حادثه زلزله بم و مقایسه آن با رویدادهای مرگ ثبت شده در دوره پنج ساله قبل از حادثه زلزله شهرستان بم، فصلنامه جمعیت، شماره ۵۱ و ۵۲، صص ۶۳-۶۷.
- ازکیا، مصطفی؛ ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۹۰). روش‌های کاربردی تحقیق کاربرد نظریه بنیانی. تهران: کیهان.
- اشتروس، آنسلم؛ کوربین، جولیت (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی نظریه مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها. ترجمه بیوک محمدی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- امینی‌ها، آزاده و همکاران (۱۳۹۴)، تفحص کیفی در واکنش همسران به افشای خیانت زناشویی، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال ۵، شماره ۳، صص ۹۲-۷۲.
- زند، مهناز (۱۳۷۶)، تحلیل و تبیین مسائل و مشکلات روانی - اجتماعی کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست شده در زلزله شهر رودبار، نامه علوم اجتماعی، شماره ۹ و ۱۰، صص ۱۷۵-۱۹۶.
- ساروتیس، دانیل؛ راجر، پبلک (۱۳۸۲)، چارچوب تحقیق در بلاای طبیعی، مترجم سعید نیک آیین، رفاه اجتماعی، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۲۱۷ - ۲۴۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی خانواده. تهران: سروش.
- شادی طلب، ژاله (۱۳۷۲)، مدیریت بحران: برنامه ریزی پس از فاجعه زلزله، فصلنامه علوم اجتماعی، دوره ۲ و ۴، شماره ۳، صص ۱۲۵-۱۵۱.
- _____ (۱۳۸۳)، فقر زنان سرپرست خانوار، پژوهش زنان، شماره ۱، صص ۴۹-۷۰
- شارقی، الهام (۱۳۸۳)، بررسی تاثیر میزان به خاطر آوردن حادثه در برنامه ریزی برای آینده در مصدمین زلزله بم بستری شده در بیمارستان شریعتی، رساله دکتری حرفه ای، دانشکده پزشکی دانشگاه آزاد واحد نجف آباد.
- کامکار، مهدیس (۱۳۸۲). جنسیت و سلامت در بلاای طبیعی، رفاه اجتماعی، شماره ۱۱، صص ۲۸۸-۲۷۹.

محمدپور. احمد (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی: ضد روش مراحل و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی، تهران: جامعه‌شناسان.
مظاهری، علی و همکاران (۱۳۸۸)، رابطه سبک‌های همسرگزینی با کیفیت و پایداری ازدواج، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۵، ص ۷۲-۵۵.

Alston, M. Margaret, Whittenbury, Kerri; Haynes, B. Alex; Godden, Naomi (2014), **Are Climate Challenges Reinforcing Child and Forced Marriage and Dowry As Adaptation Strategies in the Context of Bangladesh?**, women's studies International Forum, 47, a: 137-144.

Birks. M. ; mills. H.(2011). **Grounded Theory a Practical Guide**. los angeles: calif sage.

Cohan, C. ; Cole, S. (2002), **Life Course Transitions and Natural Disaster: Marriage, Birth, and Divorce Following Hurricane Hugo**, Journal of Family Psychology, 16, 1 : 14-25 .

Fothergill. A. (2004). **Heads Above Water: Gender, Class, and Family in the Grand Forks Flood**. Albany. new York: suny Press.

Gill. K. Aisha; Sundari. Anitha (2011). **Forced Marriage: Introducing A Social and Human Rights Perspective**. London: Zed Books.

Ifrc. (2015), **Unseen Unheard Gender Based Violence in Disaster**, available from: https://www.ifrc.org/Global/Documents/Secretariat/201511/1297700_GB_V_in_Disasters_EN_LR2.pdf.

Sohrabizadeh, S. ; et al . , (2017), **Women's Challenges and Capabilities in Disasters: A Case Report of the Twin Earthquakes of Eastern Azerbaijan, Iran**, current disasters, 22 (9).

Sorokin.P.A. (2010). **Man and Society in Calamity**, new York: E. P Dutton.

Strauss. A. ; corbin J. (1998). **Basics of Qualitative Research Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory**. USA: Sage.

UN women (2015), **Impact of Natural Disasters on Girls and Women**, Available from: <http://norlha.org/wpcontent/uploads/2015/04>.

UNFPA (2015), **Facing the Facts: Adolescent Girls and Contraception**, Available from: https://www.unfpa.org/sites/.../UNFPA_Adolescent_brochure.pdf.

Voulgari. A. sahelia (2012). Women and Forced Marriage in Scotland, Scotland.